

تستی

۱. کفاره صید النعماء ا ۲۵۴

ا. بدنۀ و هی من الإبل الانثی التي کمل سنّها خمس سنین ■ ب. بکرۀ و هی من الإبل الانثی التي کمل سنّها خمس سنین □

ج. بدنۀ و هی الفتیة منها بنت المخاض فصاعداً مع صدق اسم الفتی □ د. بکرۀ و هی الفتیة منها بنت المخاض فصاعداً مع صدق اسم الفتی □

۲. کفاره کدام یک از موارد زیر مرتبه است؟ ب ۱۱

ا. ظهار - کفاره ماه رمضان □ ب. ظهار - قتل خطأ ■ ج. قتل خطأ - کفاره ماه رمضان □ د. تخلف عهد - قتل خطأ □

۳. القضا ای الحكم بین الناس فی حق الصالحین له مع عدم حضور الإمام بهم. ب ۶۱

ا. مستحب عیناً □ ب. واجب کفایة ■ ج. مستحب کفایة □ د. واجب عیناً □

۴. هر دعوی که با یک شاهد مرد و دو شاهد زن قابل اثبات باشد، با یک شاهد مرد و انضمام نیز اثبات می‌شود. ب ۹۸

ا. فقط دو قسم در مانند قرض □ ب. یک قسم در مانند قرض ■

ج. یک قسم در خلع مطلقاً □ د. فقط دو قسم در خلع مطلقاً □

تشریحی

* لو نفر حمام الحرم و عاد إلى محلّه فشاء عن الجمیع و إلا یعدّ فعن کل واحدٍ شاء و لو كان المنفر واحدهً ففی وجوب الشاء مع عودها و عدمه تساوی

الحالتین و هو بعید. ج ۳۴۷/۲

۱. حکم مذکور در عبارت و إشکال آن را بیان کنید.

اگر شخصی کبوتر حرم را براند اگر برگردند یک شاء از طرف همه و اگر برنگردند به ازای هر کبوتر باید یک شاء بدهد.

اشکال: اگر کبوتر نفر شده یک عدد باشد حکم حالت عود و عدم عود آن مساوی می‌شود و هو بعید.

* تعليق اليمين على مشيئة الغير يحبسها على مشيئته إن علق عقدها عليه فلو جهل الشرط لم ينعقد ولو أوقف حلّها عليه انعقدت ما لم يشأ حلّها فلا تبطل

إلاّ بعلم الشرط وكذا في جانب النفي كقوله لا أفعل إن شاء زيد أو إلاّ أن يشاء فيتوقف انتفاءه على مشيئته في الأوّل وينتفي بدونها في الثاني. ۶۱

۲. با توجه به عبارت، حکم چهار صورت «تعليق يمين بر مشيت غير» را همراه با حکم آنها بیان کنید.

ا. انعقاد قسم را متوقف بر مشيت او خواهد کرد؛ مانند اینکه بگوید «لأفعلنّ إن شاء زيد» که حکمش این است که اگر زيد بخوهد، قسم

منعقد می‌شود و در صورتی که شرط مجهول باشد، منعقد نخواهد شد.

ب. منحلّ شدن قسم را معلق بر خواست غير کند؛ مانند اینکه بگوید «لأفعلنّ كذا إلاّ أن يشاء زيد» و تنها در صورتی که علم داشته باشیم

غير انحلالش را خواسته منحل خواهد شد. ج. انتفاء قسم معلق بر مشيت غير شده است. حکم: يتوقف انتفاءه على مشيئته. د. انتفاء قسم

معلق به عدم مشيت غير شده است. حکم: ينتفي بدون المشيئة.

* لایجوز الفرار من الحرب إذا كان العدو ضعفاً للمسلم المأمور بالثبات أو أقل إلاّ لمتحرّف لقتال أو متحيزٍ إلى فئةٍ على وجه لا يخرج عن كونه مقاتلاً عادةً.

ج ۳۹۱/۲

۳. حکم مذکور در عبارت و دو استثنای مذکور را توضیح دهید.

حکم: اگر دشمن دو برابر و بیشتر از مسلمانها باشند، مسلمان حق فرار ندارد.

۱. المتحرّف: المنتقل إلى حالة أسهل من حالته التي هو عليها.

۲. متحيز: اضافه شود به گروهی که بتواند از آنها کمک بگیرد به شرطی که خیلی دور نباشند که عرفاً از اسم مقاتل خارج شود.

* وجوب الأمر بالمعروف على الكفاية لأن الغرض شرعاً وقوع المعروف فإذا حصل ارتفاع والاستدلال على كونه عينياً بالعمومات غير كاف للتوفيق وإنّما

تختلف فائدة القولين في وجوب قيام الكل به قبل حصول الغرض وإن قام به من فيه الكفاية و عدمه. ج ۴۱۳/۲

۴. أ. دليل وجوب كفايي امر به معروف چیست؟ ب. ثمره واجب كفايي يا عيني بودن امر به معروف و مراد از «للتوفيق» را بیان کنید.

۱. غرض از امر به معروف وقوع معروف است و وقتی حاصل شد - از طرف هرکسی باشد - امر به آن ساقط می شود.

۲. على القول الكفايي يسقط بقيام البعض سقوطاً مراعاة حتى حصول الغرض و على القول بالعيني فلا يسقط بقيام البعض و لو مراعاةً.

* ومع العجز عن العتق يصوم شهرين متتابعين ولو ابتداءً من اثنائه أكمل ما بقي منه ثلاثين و أجزاء الهلالي في الثاني و لو اقتصر هنا على شهر و يوم تعين

العددي فيهما. ج ۲۶/۳

۵. در صورتی که مکلف، روزه کفاره را از اثناء ماه شروع کند حکم او چیست؟ (دو فرع مذکور در عبارت را بیان کنید).

۱. بعد از آنکه ماه دوم را روزه گرفت (قمری حساب کند کافی است) باقی مانده ماه اول را باید عددی تکمیل کند (سی روزه).

۲. اگر در فرض مذکور، بخواهد یک ماه و یک روز را روزه بگیرد و بقیه را بعداً بگیرد، در این صورت باید هر دو ماه را عددی (۳۰ روزه)

حساب نماید.

* الأقرب احتياج النذر إلى اللفظ فلا يكفي التنية في انعقاده و إن استحب الوفاء به لانه من قبيل الاسباب والاصل فيه اللفظ و لانه في الأصل وعد بشرط او

بدونه و الوعد لفظي و الاصل عدم النقل. ج ۴۴/۳

۶. دليل لزوم لفظ در نذر چیست؟ منظور از «الأصل عدم النقل» در اینجا چیست؟

أ. ۱. نذر از قبيل اسباب (عقود و ايقاعات) است و اصل در اسباب وجود لفظ است. ۲. نذر در لغت وعده دادن است و وعده نیز امری

است که با لفظ تحقق می یابد. ب. اصل عدم نقل است یعنی لفظ نذر به معنی لغوی خود باقی است و لفظ (صیغه) در آن شرط است.

۷. اقسام جهاد را توضیح دهید. ۹

چهار قسم: ۱. جهاد ابتدایی با مشرکین جهت دعوت آنها به اسلام. ۲. جهاد دفاعی با کفاری که جهت استیلاء بر بلاد مسلمین و گرفتن

اموال آنها هجوم می آورند. ۳. جهاد با کسانی که علیه امام معصوم برهم شورش می کنند که به «بغات» معروف هستند. ۲. جهاد با کسی که

می خواهد نفس محترمه ای را به ناحق بکشد یا به حریمی تجاوز و یا اموالی را بگیرد.

* شرط الشاهد البلوغ إنّ في الشهادة على الجراح ما لم يبلغ النفس بشرط بلوغ العشر و ان يجتمعوا على مباح و أن لا يتفرّقوا بعد الفعل المشهود به إلى أن

يؤدّوا الشهادة. ج ۱۲۵/۳

۸. با توجه به عبارت، موردی را که شرط بلوغ در شاهد معتبر نیست همراه دلیلش بیان کنید.

در شهادت دادن بر جراحت، بلوغ شرط نیست. سه شرط: ۱. شهود نابالغ ده سال داشته باشند. ۲. برای (بازی) مباحی دور هم جمع شده باشند. ۳. پس از وقوع امری که شاهد آن بوده‌اند تا وقتی که بر آن شهادت می‌دهند پراکنده نشده باشند.

* لا يشترط في الوقف القبول مطلقاً لأنه إزالة ملك فيكفي فيه الإيجاب كالتق و قيل يشترط إن كان الوقف على من يمكن في حقه القبول للشك في تمام السبب بدون فاستصحاب. ج ۳/۵-۱۶۴

۹. دو قول مذکور در شرط بودن قبول در وقف را به هم‌رام ادله بیان کنید.

۱. شرط نیست مطلقاً، زیرا وقف خارج ساختن مال از ملکیت واقف است و برای این کار ایجاب، بدون گفتن صیغه قبول کفایت می‌کند همانند عتق. ۲. اگر وقف برای کسی است که قبول کردن در حق او ممکن است، قبول شرط است زیرا شک داریم که آیا ایجاب بدون قبول سبب تام برای انتقال ملکیت می‌شود یا نه؟ بنا بر این بقاء ملکیت واقف استصحاب می‌شود.